

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

nawa-e-mardom@hotmail.de

توای مردم

پیشنهاد ، پیشنهاد ، پیشنهاد

یا شیطان ، یا آبرو و حیثیت

یا شیطان ، یا احترام به مردم

لطفاً دقیق این نوشته را تا آخر خوانده تصمیم نهائی خود را به ما ارسال دارید

اهانت و تحقیر صاحب نظران هموطن ، بس است

ورنه این نشیده از طریق تلوزیون به سمع شنونده های جهان رسانیده و در سایتهای

انترنتی و مجلات به نشر سپرده و ثبت تاریخ خواهد شد

در صورت موافقه شما ، پشتیبانی ما ، از شما و برنامه ساز های تان خواهد بود



تو ای لؤلؤی بی وجدان

تو ای غولدنگ بی ایمان

چنینت میدهم فرمان

پذیرش از دل و از جان

که مشکلهها شود آسان

میان ملت افغان .

به بیرحمی و پُر روئی

سر روشنگران ما همی تازی

گهی وچ وچ کنی سگهای زنجیری خود را تا بگیرد پاچه ایشان

گهی بر نوکران و چاکرانت می دهی فرمان

اگرچه خود همیشه نوکر و چاکر ، به گلبدینِ نکبتبار میباشی
و هم در پشتِ پرده ، تنگِ دالخورِ پاکستانی بدکار میباشی*
ازین غربت سرا ، یعنی اروپا ،
به امریکا ،

حضورت ، محترم لؤلوی بی وجدان
پیامی میفرستم بشنوش با گوش باطن ، گر ترا باشد کمی ایمان
بیا انصاف بنما و میوشان چشمِ خود از حق*
ز تو یک خواهشی دارم
قبولش گر بفرمائی

به کس چیزی نمیگم

نمیگویم ، دگر چیزی نمی گویم
دگر شعری به ضدّ تو نمی گویم ، نمی خوانم
به والله و به بالله راست میگویم*
و الا خوب میدانی
به هر برنامه داخل گشته میخوانم و میگویم ،
که تو

و میگویم که تو
در دفترِ کارت چه ها کردی
به همراه (**سکرتر**)
آنکه نامش بود (**نقطه** ، **نقطه** و **نقطه**)

چه ها کردی
به همراه سکرتر
آنکه نامش بود (**نقطه** ، **نقطه** و **نقطه**)
تمامش را یکایک

ذره ذره خوب میدانم
به والله خوب میدانم

و لی بیچاره خانم

ولی بیچاره خانم ناگهان ، **بالفعل گیرت کرده بالاخر** ،
بعدِ جنگ و ناسزاگوئی

برای مدتی از خانه و کاشانه ات بگریخت
خیانت را ز تو دید و امیدش قطع گردید و فراری شد
ز تو بگریخت

و یا بهتر بگویم ، قهر کرد از تو
برای (**چار ماه واندی**) از تو دور بود اما ؟؟؟
نمی دانم کجا رفت و به همراه کی ها بود و ، چه ها میکرد
خدا میداند ، اما ما نمی دانیم
گنااهش را به گردن کس نمی گیرد

ولاکن ، کی توان بستن ، دهان باز مردم را
نه یک روز و ، دوسه روز و ، دوسه هفته ،
بلکه ، چهارماه ، یعنی صد و بیست روز و شب ،
به به ، به والله خیلی ننگین است و شرم آور
خیلی شرم آور

صد و بیست روز و شب

خیلی زیادست و ، به گفتن راست می آید ، نه بر باور
چسان باید قناعت داد مردم را
چه پاسخ گفت ایشانرا
برای مدت چار ماه
با کی ؟
کجا ؟ *

اگر خواهی دهن می بندم و هرگز به کس چیزی نمی گم
به شرط آنکه بعد از این
تو هم دستور بر برنامه دارانت دهی
تا حضرت ابلیس ،

شیطان عظیم و ، هم لعین و ، هم خبیثت را

برانند و ، طلاقش را کنند صادر

که تا مردم ، ز شرش در امان باشند
به فرزندان صدیق وطن ارجی گذارند و بدانند قدر ایشانرا
نه توهینی نمایند و نه هتک حرمت ایشان
و تو از زیر جلد خود ، بران این لعنتی ملعون شیطان را
خلاصه گر تو (شیطان عظیم بیحیا) را ، از برت رانی
دگر کاری ندارم با تو و یاران تو هرگز

ترا راهی ، مرا راهی ،

نه کار و باری با تو دارم و ، نه جار و جنجالی *
اگرچه خوب میدانم که لولو خان ! خیلی ساده و بیعقل و نافهمی
مرادم را نمیدانی ، گیم را هم نمی فهمی
ولی بشنو کنون بی پرده میگویم
که منظورم بدانی و به آن فوراً شوی عامل
که ابلیس عظیم است و لعین است و منافق هم
به قول اکثر مردم
همین شیطان خادی
همین راننده و هرکاره و دلال ،
همین راننده و هرکاره دوران خلقی ها
وزیر داخله او را به دلالی و هم موثر چرانی داشت ، روز و شب
همیشه بود در خدمت ،

اعم از خدمتِ مشروع و نامشروع
 چه ها میکرد ، این ظالم ،
 به هموعان ، به همجنسان ، وطنداران و همکاران .
 چه ظلم و چه جفا های ،
 چه بیداد و ستم های ،
 قلم از شرح آن عاجز
 بیانش را زبان قاصر
 که چشم روزگاران ، مثل و مانندش ندیده
 در حقیقت او خدای شرک و بدعتهاست
 خدای کینه و بغض و عداوتهاست
 قلم از شرح آن عاجز
 بیانش را زبان قاصر
 چه ظلم و چه جفا های ،
 چه بیداد و ستم های ،
 به حق مردم بیچاره ما کرد این ظالم
 پسر ها را جدا از مادران و ، مادران را در عزا و ماتم فرزند
 عروسان بیوه و ، داماد ها غلتیده در خون و ، یتیمان در فغان و ناله و
 زاری
 پدر ها کور چون یعقوب در هجر و فراق یوسف گمگشته ایشان *
 به شاه دولا ، زمینه ساز فحشاءگر ،
 به شاه دولا ، رفیق زور جادوگر ،
 به شاه دولا ، انیس و مونس شیطان ،
 به شاه دولا ، همان بوت پاک و آن دلال و کیسه مال ،
 به شاه دولا ، به آن کور بمرگ آیه پیچو ،
 به شاه دولا ، همان چرسی و تریاکی
 به شاه دولا ، همان بی ننگ و بی وجدان
 به شاه دولا ، همان سابون لکس لشم کف آلود
 به شاه دولا ، همان ماشی که هر سو مفت می لولد
 بگو ای آیه پیچو
 بگو ای بد بْجنگ
 بگو ای بد قواره ، بد قیافه
 بگو بدماش فلم ریش و پشم و زلف و گیسوی پریشانی
 بگو ای چاپلوس کاتب دیوان فرعون
 بگو ای بیحیای بزدل و ترسو
 بگو ای آیه پیچو باز در حق وطنداران چرا بی حرمتی داری
 همان ابلیس اکبر را ،
همان شیطان اعظم را ،

عزایلِ عظیمِ بیحیایِ کوچه بازاریِ فاسد را ، دوباره راه دادی
 تا به فرزندانِ صدیقِ وطن ، فحشاءگری دارد
 به مردانیکه کاری جز سخاوت را نمیدانند
 و باری جز عدالت را نمیخواهند
 به مردانیکه دایم در پی تعمیرِ مکتب ها و مسجد ها همی باشند
 به مردانیکه می سازند ، شفاخانه ، یتیمخانه ، و غیره ، غیره و غیره
 به مردانیکه در قحطی و در سیلابها ،
 بهتر از هلالِ احمر و ، دولت
 به سر وقتِ مصیبت دیدگان ، در آنی حاضر گشته و ، کمک همی دارند
 چرا توهین میدارد .
 به مردانیکه دایم بر هنرمندانِ ما ، از جان و دل خدمت همی دارند
 به ورزشکارهای ما ، اعم از مرد و زن ،
 خورد و بزرگ ، از هر نژاد و قوم و ، از هر طایفه یکسان همی کوشند ،
 که تا تشویق گشته ،
 افتخارِ کشورِ ما ، در جهان گردند
 و لاکن این عزایلِ عظیم و بیحیایِ کوچه بازاریِ فاسد
 سرِ مردانِ صدیقِ وطن ، فحشاءگری دارد
 به فرزندانِ صدیقِ وطن ، تهمت همی بندد
 به فرزندانِ نیکِ ائین
 به فرزندانِ روشنگر ، نیکو ، با سخاوت ، با درایت ، با غیرت و همت ،
 چه بیشرمانه می تازد
 و شادولا برایش صحنه سازی کرده و ، هم دانه می پاشد
 چه نامردانه روی آتشِ فحشاءگری اش ، نفت میریزد
 شاه دولا ،
 بلی شاه دولا ، زمینه سازِ این جریان
 و یا بهتر بگویم آیه پیچوی که ،
 در **دوغِ سیاست** دایماً مثلِ مگس **زیر غوطه نی** دارد
 آیه پیچو ، و یا بهتر از آنهم میتوان گفتن
 برای هر سگی ، چون استخوان و ، کرگس و کلمرغها را لاشهٔ مردار
 بلی شاه دولا ، و یا بهتر از آنهم آیه پیچو
 چرا ای آیه پیچو
 چرا ای بد بُجنگ
 چرا ای بد قواره ، بد قیافه
 چرا بدماشِ فلمِ ریش و پشم و زلف و گیسوی پریشانی
 چرا ای چاپلوسِ کاتبِ دیوانِ فرعون
 چرا ای بیحیایِ بزدل و ترسو
 چرا با کاهنانِ معبدِ آمون همکاری

به مانند ندیمه ،
 آن زن جاسوسه معبد
 که با نیش زبان و با نگاه زهر آلودش ،
 به آزار زلیخا ، در پی تکفیر یوسف ، سخت میکوشید ، میکوشی
 و تو غولدنک لولو خان
 مرا مجبور کردی تا یکی از راز هایت را کنم افشاء
 فقط یک راز آنهم ، راز (نقطه ، نقطه و ، نقطه)
 بلی !
 اگر خواهی بگو ، تا نام او را با نشان و با تخلص ،
 واضحا تحریر همیدارم
 یکایک ، با شواهد ، با سند های موثق ،
 بر همه تحریر و هم تقریر همیدارم
 سکرتر را فقط از دفتر کارت
 و دیگر راز هایت را همی پنهان میدارم
 به کس چیزی نمی گویم
 مگر مجبور گردانی مرا ، غولدنک لولو خان
 برایت گفته بودم بار دیگر آنچه بنویسم ،
که گویی استخوانم در گرفت و تار و پودم گشت خاکستر
چو سیماب آب مفصل ها شد و خونابه جاری گشت از چشمان
 مگر نشنیده ای حرف بزرگانرا که میگفتند
(چرا کاری کند عاقل ، که بار آرد پشیمانی)
 بیا یک شانس دیگر هم برایت میدهم
 بشنو تو ای لولو و شادولا
 پس از این قطع کن آواز شیطان را
 همان شیطان اعظم را ،
 همان ابلیس اکبر را ،
 عزازیل عظیم بیحیای کوچه بازاری فاسد را
 ز گلبدین و طالبها
 دفاع نمائی و روشنگران را مهربان میباش
 برای وحدت ملی
 برای وحدت ملی ز جان و دل بکوش و هم تمام دشمنانش را
 تمام دشمنانش را
 نما افشاء
 که تا مردم شناسند و
 همیشه لعنت و نفرین بفرستند
 همیشه لعنت و نفرین بفرستند
 مواظب باش ای لولو و شادولا

مواظب باش ای غولدنګ و هم ای آبه پیچو
(چرا کاری کند عاقل که بار آرد پشیمانی)
و در آخر ز تو مردانه میخوام
بده مردانه پاسخ را
بگو مردانه وار ، این کار ما انسانی است یانه

از طرف انجمن نوای مردم
اروپا

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX
XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX
XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX
XXXXXXXXXXXX
XXXXXX
XXXXXX
XXXXXX
XXXXXX